

تحلیلی بر نقش واحدهای بزرگ صنعتی در توسعه منطقه‌ای جنوب فارس (مطالعه موردی: شهرستان‌های لامرد و مهر)

جواد بذرافشان^۱: استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

فرامرز بریمانی: دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

محمد حاجی زاده: کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

چکیده

کشور ایران از مزیت‌های نسبی فراوانی به ویژه در صنایع مربوط به نفت و گاز، کانی‌های فلزی و غیرفلزی برخوردار است. دو مورد از این صنایع بزرگ شامل پالایشگاه گازی پارسیان و کارخانه‌ی سیمان لامرد است، که اولی در شهرستان مهر و دومی در شهرستان لامرد از توابع استان فارس قرار دارد. پژوهش حاضر بر این فرض کلی استوار است که: احداث واحدهای صنعتی در منطقه‌ی لامرد قدیم، زمینه‌های پیشرفت و توسعه‌ی آن را فراهم نموده است. روش تحقیق از نوع توصیفی- تحلیلی بوده و برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است؛ که پس از تأیید روایی و پایایی، داده‌های جمع‌آوری شده توسط SPSS پردازش گردید. در بخش تجزیه و تحلیل نیز از روش تحلیل عاملی برای شناسایی عوامل اصلی، از روش همبستگی پیرسون و اسپیرمن برای سنجش چگونگی و میزان شدت همبستگی میان متغیرها، از روش رگرسیون برای ارایه‌ی مدل ریاضی استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که احداث واحدهای بزرگ صنعتی موجب افزایش اشتغال، افزایش رفاه، افزایش مهاجرت به منطقه، بهبود و توسعه‌ی زیرساخت‌های فیزیکی (جاده‌ها و خطوط ارتباطی از یک سو و فعالیت‌های ساخت و ساز مسکن از سوی دیگر) و به طور کلی باعث تسریع در فرآیند زمینه سازی رشد و توسعه‌ی منطقه‌ای گردیده است.

واژه‌های کلیدی: واحدهای صنعتی، توسعه منطقه‌ای، تحلیل عاملی، لامرد و مهر.

^۱ نویسنده مسئول: bazrafshan@gep.usb.ac.ir، ۰۹۱۵۱۴۹۷۸۴۶

بیان مسأله:

نابرابری‌های منطقه‌ای در بسیاری از کشورها چالشی اساسی در مسیر توسعه است. بخصوص برای آن گروه از کشورهایی که قلمرو حاکمیت آنها مناطق جغرافیایی وسیعی را شامل می‌شود. این نابرابری‌ها تهدیدی جدی برای رسیدن به توسعه متعادل و متوازن مناطق است. مردمی که در مناطق پیرامونی کشورها زندگی می‌کنند بطور معمول از کانون توجه برنامه‌ها و سیاستگذاری‌های توسعه دور هستند. همین امر سبب می‌شود سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی آنها کاهش یابد (تقوایی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۴). در بیشتر کشورهای در حال توسعه یک یا دو منطقه و در نهایت چند منطقه از نظر خدمات عمومی و شکوفایی اقتصادی و اجتماعی وضعیت مناسبی دارند و نقش بزرگی در ایجاد درآمد و تولید ملی دارند. این امر به بهای واپس ماندگی مناطق دیگر و افزایش شکاف و نابرابری بین مناطق کشور می‌باشد (زیاری و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۸). از این رو سیاست‌های توسعه منطقه‌ای نقش مهمی را در تقویت فعالیت‌های اقتصادی توسعه مناطق محروم و بدنبال آن کاهش تفاوت‌های منطقه‌ای دارد (Matsumoto, 2008: 480). البته باید توجه داشت که اصلی‌ترین مانع توسعه منطقه‌ای در کشور به نظام برنامه‌ریزی آن یعنی تمرکزگرایی، بخشی‌نگری، فقدان فرهنگ برنامه‌ریزی در سطوح مدیریتی و... بر می‌گردد (سیف‌الدینی و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۳).

در راستای کاهش نابرابری‌ها و عدم تعادل‌های منطقه‌ای، سرمایه‌گذاری‌های صنعتی در سطح مناطق کشور بویژه با توجه به مزایای نسبی آن مناطق می‌تواند یکی از راهبردهای اساسی توسعه باشد. بنابراین یکی از بهترین و مهم‌ترین ابزار دستیابی به اهداف فوق، صنعتی شدن است. بر اساس این دیدگاه، صنعتی شدن و گسترش فعالیت‌های غیرکشاورزی، عاملی مؤثر در افزایش رفاه، رشد و نهایتاً توسعه در ابعاد ملی و منطقه‌ای محسوب می‌گردد. همچنین ایجاد اشتغال، توزیع درآمد، متنوع نمودن اقتصاد و کاهش فضایی نابرابری در توسعه اجتماعی-اقتصادی به طور سنتی از اهداف اولیه‌ی صنعتی شدن محسوب می‌شود (رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۸۱: ۲). البته نمی‌توان برای دستیابی به اهداف مذکور فقط یک «تصویر مقطعی از مسیر توسعه‌ی صنعتی» یک کشور را الگو قرار داد و طبق آن برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری کرد.

لذا با توجه به تنگناهای محیطی در بخش منابع آب و خاک در منطقه شهرستان‌های لامرد و مهر از توابع استان فارس، گسترش فعالیت‌ها و مشاغل غیرکشاورزی و بویژه توسعه‌ی فعالیت‌های صنعتی با اتکای بر ظرفیت‌های موجود (میدان‌های گازی و معادن) ضرورت پیدا می‌کند. بر این اساس پژوهش حاضر با هدف بررسی پیامدهای مثبت ایجاد و راه‌اندازی واحدهای بزرگ صنعتی در سطح ناحیه مورد مطالعه به روش توصیفی و تحلیلی انجام شده است. بدین ترتیب فرضیه‌های تحقیق به قرار زیر تبیین می‌شود:

- ۱) بین احداث واحدهای صنعتی و افزایش اشتغال و کاهش بیکاری رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- ۲) احداث واحدهای صنعتی موجب توسعه‌ی زیرساخت‌ها در سطح منطقه شده است.
- ۳) احداث واحدهای بزرگ صنعتی در میزان برخوردارگی ساکنان از رفاه (اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی) مؤثر بوده است.

پیشینه و مبانی نظری:

آرتور لوئیس (۱۹۵۴) با تعریف جدید از توسعه به صنعتی شدن توجه ویژه داشت. وی معتقد است که توسعه عبارت است از گسترش تدریجی بخش مدرن و کاهش تدریجی بخش سنتی (Bigsten, 1983: 30). این تعریف ساده که به تعریف دو-بخشی نیز معروف است؛ اقتصاد را به دو بخش مدرن و سنتی تقسیم می‌کند و مدرن شدن را توسعه می‌داند. هاگ (۱۹۷۹) نیز بر این باور است که در امتداد با دیگر بخش‌های اقتصادی و اجتماعی، صنعت باید به عنوان مهم‌ترین مؤلفه‌ی هر برنامه‌ی توسعه‌ی یکپارچه پذیرفته شود (Hag, 1979). شاین نیز تخصص‌گرایی، تعادل مناطق شهری و روستایی، افزایش درآمدهای محلی و افزایش ضریب اشتغال غیرکشاورزی را از اثرات ایجاد صنعت در کشور تایوان می‌داند (Shine, 1985: 73).

«نیر» معتقد است که در کشورهای توسعه نیافته، جایی که بخش زیادی از مردم در فقر بسر می‌برند، استقرار واحد های صنعتی (در مقیاس های متفاوت) در سطح مناطق و نواحی می‌تواند اثرات قابل توجهی از خود بر جای گذارد. بعلاوه توسعه فعالیت‌های صنعتی در مناطق مختلف یک کشور می‌تواند به تعادل و توازن ناحیه‌ای منجر شود. امری که این گونه کشورها بشدت به آن نیاز دارند. نیر با مطالعه وضعیت اقتصادی هند به این نتیجه می‌رسد که با در نظر گرفتن تفاوت‌های فراوان در متغیرهای اقتصادی اجتماعی و فرهنگی - تاریخی بین ایالت‌ها و نواحی مختلف هند ضرورت احداث واحدهای صنعتی بزرگ و کوچک (با در نظر گرفتن شرایط جغرافیایی و اقتصادی هر منطقه مثل مواد اولیه، وضعیت نیروی انسانی، سرمایه و سایر نهادهای تولید) بسیار بالاست. وی تأکید می‌کند که در بحث توسعه صنعتی کشور الزاماً استراتژی توسعه منطقه‌ای باید در اولویت استراتژی‌های توسعه قرار گیرد (Nair, 2004:8).

گری و پارکر بر تأثیر صنعت در تحولات منطقه‌ای تأکید دارند. این دو پژوهشگر اعتقاد دارند که توسعه اجتماعی اقتصادی سیاسی و حتی فرهنگی با استراتژی‌های توسعه صنعتی مناطق در ارتباط می‌باشد. از سوی دیگر با توجه به وجود تفاوت‌های جغرافیایی بین مناطق و نواحی مختلف یک کشور نوع مدل‌ها و الگوهای صنعتی باید در انطباق با این تمایزات و تفاوت‌ها باشد. تحقیقات گری و پارکر نشان می‌دهد که در پیشرفته‌ترین مناطق صنعتی به طور خودکار یک رشته فعالیت‌های صنعتی جدید نیز ایجاد می‌شود که می‌تواند پایداری و تداوم رشد اقتصادی آن منطقه را تضمین کند. ورود صنایع به یک منطقه باعث افزایش جذب منابع و عوامل تولید شده و از طرف دیگر سبب بسط و گسترش بازارها و در نهایت رونق اقتصادی آن منطقه می‌گردد. رشد اشتغال در بخش - های خدماتی نیز به عنوان یکی دیگر از دستاوردهای استقرار صنایع در سطح منطقه محسوب می‌شود. بالأخره توسعه و گسترش خطوط حمل و نقل از جمله نتایج و پیامدهای توسعه صنعتی مناطق است؛ که گری و پارکر به آن اشاره داشته‌اند (Gary & et al, 1998: 4).

یکی از آخرین پژوهش‌های انجام شده در مورد تحلیل پیامدهای احداث واحدهای صنعتی بر توسعه منطقه - ای پژوهش «وای و لیفندر» است. تحقیقات و مطالعات این دو نشان می‌دهد که یکی از عوامل بسیار مهم در رشد سریع اقتصادی چین که از اواخر دهه ۱۹۷۰ م. شروع شده است، مربوط به سرمایه‌گذاری‌های کلان در سطح استان‌ها و نواحی مختلف این کشور می‌باشد. همچنین حجم عظیم صادرات چین مرهون لحاظ کردن مزیت‌های نسبی صنعتی نواحی و استان‌های مختلف این کشور می‌باشد. البته تجدید ساختار صنایع نواحی کشور سبب شده است مواهب و نتایج اقتصادی - اجتماعی متعددی برای آن مناطق و نواحی حاصل گردد. از جمله این پیامدها می‌توان به افزایش تعداد فرصت‌های شغلی، جذب سرمایه و افزایش در آمد سرانه اشاره کرد. همچنین در این پژوهش بر موضوع جذب سرمایه‌های خارجی مستقیم (FDI) جهت توسعه فعالیت‌های صنعتی مناطق مختلف کشور چین تأکید شده است. چین کشوری است که از حجم بالای نیروی کار ارزان، مواد اولیه فراوان و سطح بالای تخصص و مهارت نیروی کار برخوردار می‌باشد، لذا با جذب سرمایه‌های صنعتی در سطح مناطق خود می‌تواند روند شکوفایی اقتصادی خود را تشدید کند. دقیقاً به همین دلیل بود که سیاست درهای باز را از اواخر سال ۱۹۸۰ و از اوایل سال ۱۹۹۰ م. سیاست سرمایه‌گذاری خارجی مستقیم (FDI) را اتخاذ کرد. بدنبال اتخاذ و اجرای سیاست FDI، سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در مناطقی همچون دلتای رودخانه یانگ تسه، هوانگهو، هنگ کنگ و چندین منطقه دیگر صورت گرفت. در کنار سیاست مذکور ایجاد نواحی صنعتی متمرکز و مجتمع با توجه به مزایای نسبی هر منطقه و ناحیه مورد تأکید قرار گرفت (Wei & et al, 2012: 104).

در سطح کشور، بختیاری (۱۳۸۱) ضمن ارائه تحلیلی مقایسه‌ای از توسعه‌ی صنعتی استان‌های کشور بر اهمیت توجه به واقعیت‌های منطقه‌ای (توانمندی‌ها و ظرفیت‌های نسبی) را گوشزد کرده است. سلیمی فر (۱۳۸۱) به بررسی روند تغییرات سطوح توسعه صنعتی و توسعه منطقه‌ای در ایران طی دوره‌ی ۷۵-۱۳۵۵ پرداخته و نتیجه گرفته است که اولاً تمرکز صنعتی کاهش یافته و ثانیاً بین سطوح توسعه صنعتی و توسعه منطقه‌ای همبستگی معناداری وجود دارد. طاهرخانی (۱۳۷۹)،

شاهسونی (۱۳۸۲)، مطیعی لنگرودی و مرادی (۱۳۸۴) نیز در پژوهش‌های موردی به تحلیل و ارزیابی اثرات فعالیت‌های صنعتی بر توسعه منطقه‌ای پرداخته‌اند. پوراحمد و فلاحیان (۱۳۸۴) ضمن بررسی روند شکل‌گیری محورهای صنعتی پیرامون شهر تهران به ضرورت مقابله دولت با تمرکزگرایی صنعتی اشاره کرده‌اند. همچنین عباسی‌نژاد (۱۳۸۵) به مزایای موجود در تجمع-های صنعتی اشاره می‌کند رهبر و میر شجاعیان (۱۳۸۷) به ارزیابی آثار توسعه‌ای طرح‌های صنعتی پرداخته‌اند. همچنین رضویان و رحیمی بلداجی (۱۳۸۸) به بررسی نقش صنایع در توسعه منطقه‌ای پرداخته و صنعت را عاملی مهم و مؤثر در توسعه اقتصادی دانسته‌اند. سلیمی فر و همکاران (۱۳۸۸) ضمن سنجش توسعه صنعتی و توسعه منطقه‌ای استان‌های خراسان رضوی، جنوبی و شمالی بدین نتیجه رسیدند که اختلاف فاحشی در سطح توسعه صنعتی و توسعه منطقه‌ای شهرستان‌های استان‌های مذکور وجود داشته است. در مورد پیامدها و تاثیرات منفی (اعم از زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی) سرمایه-گذاری های صنعتی، پژوهش‌های متعددی انجام شده است. نتایج این بررسی‌ها مبین آن است که در زمینه مکان یابی صنایع باید تمام جوانب زیست محیطی - اقتصادی و اجتماعی را مد نظر قرار داده تا بدین ترتیب ضمن فراهم شدن زمینه‌های پیشرفت اقتصادی و اجتماعی نواحی، موجبات شکل‌گیری بحران‌های مختلف نیز فراهم نشود (زنگانه و همکاران، ۱۳۸۴).

روش تحقیق:

روش تحقیق توصیفی و تحلیلی است. جهت جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات از دو شیوه اسنادی و میدانی بهره گرفته شده است و با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته داده‌های مورد نیاز به صورت طیف لیکرت گردآوری شد. پایایی آن نیز بر اساس روش اندازه‌گیری آلفای کرونباخ برابر ۰/۷ محاسبه شد که مطلوب به حساب می‌آید. جامعه‌ی آماری در تحقیق حاضر شامل تمامی شاغلان دو واحد بزرگ صنعتی منطقه (پالایشگاه پارسیان و کارخانه‌ی سیمان) می‌باشد. تعداد این شاغلان جمعاً حدود ۱۷۵۲ نفر می‌باشد. از مجموع کل شاغلان، با استفاده از فرمول کوکران و در سطح اطمینان ۹۵ درصد (خطای ۵ درصد) تعداد ۲۷۲ نفر به صورت تصادفی سهمی انتخاب شدند. با توجه به ماهیت داده‌ها از یک سو و اهداف تحقیق از سوی دیگر، از روش تحلیل عاملی برای یافتن متغیرهایی که بیشترین تأثیر را از توسعه‌ی صنعتی می‌پذیرند و در عین حال خود موثرترین عوامل در توسعه‌ی منطقه بوده‌اند، از ضرایب همبستگی پیرسون و اسپیرمن برای سنجش ارتباطات میان متغیرها استفاده گردید. در نهایت نمایش و تحلیل داده‌ها نیز به کمک نرم‌افزارهای Excel و Spss انجام شد. (جدول شماره ۱).

جدول ۱- متغیرهای تحقیق

فرضیه‌ها	متغیر مستقل	متغیر وابسته	گویه‌ها
اول	احداث واحدهای صنعتی	افزایش اشتغال / کاهش بیکاری	تعداد شاغلین، تعداد بیکاران، تعداد افراد جویای کار، جذب مهاجرین، جلوگیری از مهاجرت افراد
دوم	احداث واحدهای صنعتی	توسعه‌ی زیرساخت‌ها در سطح منطقه	شبکه‌های ارتباطی، فعالیت‌های ساخت و ساز مسکن، وسایل نقلیه، خرید زمین، خرید مسکن، سرمایه‌گذاری
سوم	احداث واحدهای صنعتی	رفاه اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی منطقه	درآمد خانواده، پس‌انداز، بهبود وضعیت اقتصادی، بهبود وضعیت معیشت، خوش بینی به آینده مالی، تکمیل وسایل مورد نیاز خانواده، تهیه مسکن دوم، هزینه‌های درمانی، میزان جرایم، گرایش به تحصیل، میزان اوقات فراغت، میزان مطالعه، روحیه مشارکت و جمع‌گرایی، میزان آگاهی کارکنان، ادامه تحصیل کارکنان، رضایتمندی کارکنان از شغل خود، رضایتمندی افراد از زندگی

منبع: مطالعات نگارندگان، ۱۳۹۱.

محدوده مورد مطالعه:

منطقه‌ی لامرد قدیم با وسعت ۵۶۵۹ کیلومتر مربع، ۴/۶۲ درصد از کل مساحت استان فارس را به خود اختصاص داده است. این منطقه که در جنوبی‌ترین نقطه‌ی استان فارس قرار دارد از نظر موقع مطلق در عرض‌های جغرافیایی ۲° و ۲۷° تا ۵۹° و ۲۷° درجه‌ی عرض شمالی و ۴° و ۵۲° تا ۵۴° درجه‌ی طول شرقی واقع شده است. این منطقه از شمال با شهرستان‌های لارستان و خنج، از جنوب شرقی و شرق با شهرستان پارسیان استان هرمزگان، از جنوب غربی و غرب با شهرستان‌های عسلویه و جم و ریز

در استان بوشهر همسایه است. منطقه‌ی مذکور از دو شهرستان به نام‌های لامرد و مهر تشکیل شده است که این امر پس از تفکیک مهر از شهرستان لامرد سابق و شهرستان شدن آن در سال ۱۳۸۲ حاصل شده است.

بحث و یافته‌های تحقیق:

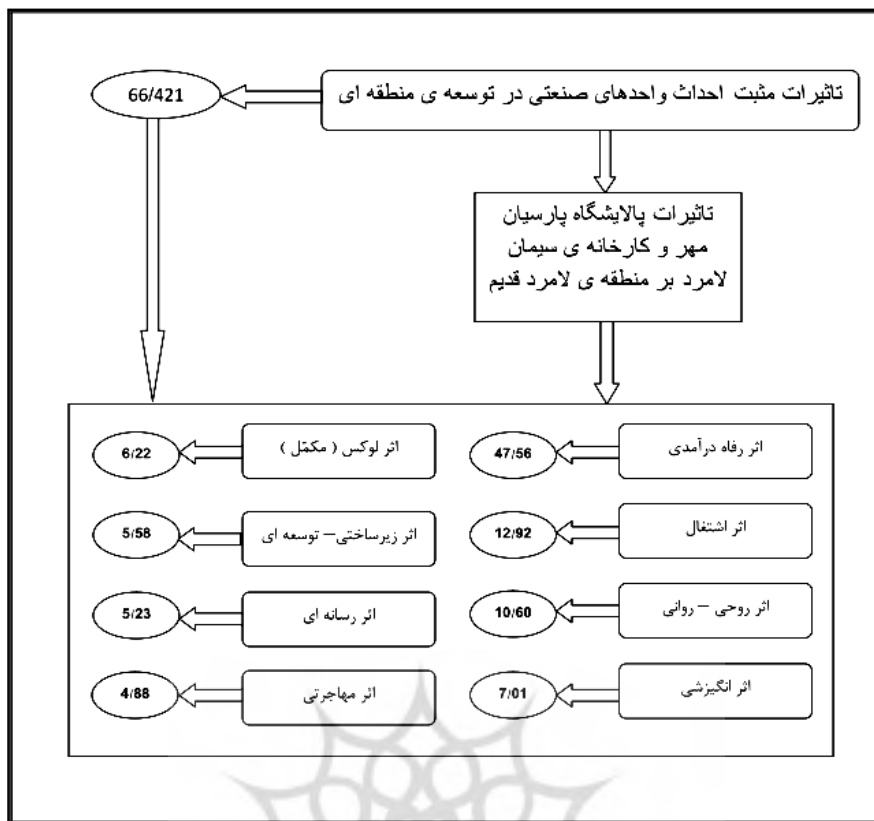
بررسی شاخص‌های پژوهش با استفاده از روش تحلیل عاملی :

در انجام تحلیل عاملی، ابتدا باید از این مسأله اطمینان حاصل شود که می‌توان داده‌های موجود را برای تحلیل مورد استفاده قرار داد. بدین منظور از شاخص KMO و آزمون بارتلت استفاده می‌گردد. با توجه به مقدار شاخص KMO (۰/۸۵۱) اولاً: تعداد نمونه برای تحلیل عاملی کافی می‌باشد. ثانیاً چون سطح معناداری آزمون بارتلت، کوچکتر از ۵ درصد به دست آمد لذا تحلیل عاملی برای شناسایی ساختار مدل عاملی، مناسب است. علاوه بر آن به دلیل این‌که ستون اشتراک اولیه، اشتراک‌ها را قبل از استخراج عامل (عامل‌ها) بیان می‌کند، تمامی اشتراک‌های اولیه برابر ۱ می‌باشد. بر این اساس در این پژوهش تمامی گویه‌ها به دلیل بالا بودن مقادیر اشتراک استخراجی‌شان تأیید می‌گردند. در مرحله بعد مقادیر ویژه محاسبه گردید. مقادیر ویژه شامل عامل‌هایی هستند که در تحلیل باقی می‌مانند. از آنجا که در این پژوهش عامل‌های ۱ تا ۸ دارای مقدار ویژه‌ی بزرگتر از ۱ هستند در تحلیل باقی می‌مانند. این هشت عامل می‌توانند تقریباً ۶۶ درصد از تغییرپذیری (واریانس) متغیرها را پوشش دهند. گام بعدی در تحلیل عاملی به ماتریس عاملی دوران‌یافته اختصاص دارد که مبنای نامگذاری عوامل قرار می‌گیرد. در این مرحله، هر متغیر معمولاً در یک عامل بار می‌شود. پس از دوران عامل‌ها از طریق انتساب متغیرها به عامل‌ها، اقدام به استنتاج مفهومی می‌شود. (جدول شماره ۲). (شکل شماره ۱).

جدول ۲- نمایی از عامل‌های پژوهش و سهم هر یک از آن‌ها در تحقیق

شماره عامل	عامل	مقدار ویژه	درصد مقدار ویژه	درصد از کل عامل‌ها
۱	اثر رفاه درآمدی	۱۰/۷۴۱	۳۱/۵۹۲	۴۷/۵۶
۲	اثر اشتغال	۲/۹۱۷	۸/۵۸۱	۱۲/۹۲
۳	اثر روحی- روانی	۲/۳۹۴	۷/۰۴۰	۱۰/۶۰
۴	اثر انگیزش	۱/۵۸۴	۴/۶۵۹	۷/۰۱
۵	اثر لوکس (مکمل)	۱/۴۰۵	۴/۱۳۲	۶/۲۲
۶	اثر زیرساختی- توسعه ای	۱/۲۶۱	۳/۷۰۹	۵/۵۸
۷	اثر رسانه ای	۱/۱۷۹	۳/۴۶۷	۵/۲۳
۸	اثر مهاجرتی	۱/۱۰۱	۳/۲۳۹	۴/۸۸
	جمع	--	۶۶/۴۲۱	۱۰۰

منبع: یافته‌های تحلیلی تحقیق، ۱۳۹۱.



شکل ۱- تأثیر احداث واحدهای بزرگ صنعتی در منطقه لامرد قدیم

آزمون فرضیهی اول: اشتغال و توسعهی صنعتی:

H0: بین احداث واحدهای صنعتی و افزایش اشتغال، رابطهی معناداری وجود ندارد.

H1: بین احداث واحدهای صنعتی و افزایش اشتغال، رابطهی معناداری وجود دارد.

محاسبات نشان می‌دهد که ضرایب همبستگی اسپیرمن و پیرسون به ترتیب ۰/۷۳۴ و ۰/۷۶۰ بوده است و همچنین Beta حاصل از رگرسیون این متغیر نیز ۰/۷۶ را نشان می‌دهد. همچنین فرض خطی بودن رابطهی دو متغیر تأیید می‌گردد. جدول شماره ۳ نشانگر آن است که مقدار ثابت و ضریب متغیر مستقل در معادلهی رگرسیون به ترتیب برابر (۰/۰۶۱) و (۱/۱۴۸) است. در نتیجه معادلهی رگرسیونی میان متغیر اشتغال و توسعهی صنعتی به صورت $y = 0.061 + 1.148x$ می‌باشد. از سوی دیگر، ضریب استاندارد شده (Beta) نشان می‌دهد که به ازای یک واحد تغییر در توسعهی صنعتی منطقه، ۰/۷۶۰ تغییر در اشتغال آن ایجاد خواهد شد.

جدول ۳- ضرایب رگرسیون شاخص اشتغال در منطقه مورد مطالعه

مدل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده Beta	آماره (T)	سطح معناداری Sig
	B	خطای استاندارد			
ضریب ثابت	۰/۰۶۱	۳/۱۸		۱/۹۱	۸/۴۹
توسعه صنعتی	۱/۱۴۸	۰/۹۱	۰/۷۶	۱۲/۶۸۴	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های تحلیلی تحقیق، ۱۳۹۱.

از آنجا که در طی مراحل اجرا و احداث واحدهای صنعتی مورد نظر فرصت‌ها و زمینه‌های اشتغال متعدد و متنوعی شکل گرفت، لذا می‌توان بخشی از اشتغال کل منطقه را معلول آن دانست. از سوی دیگر ارائه‌ی انواع خدمات به نیروهای شاغل در اجرای پروژه‌های مذکور نیاز به شکل‌گیری فرصت‌های شغلی دیگر همچون مشاغل خدماتی منجر شد که این خود دلیل

دیگری بر مؤثر بودن احداث واحدهای صنعتی در فرایند اشتغال‌زایی منطقه می‌باشد. مضاف بر آن مشاغل مستقیم و غیر مستقیم ایجاد شده در پی آغاز فعالیت‌های واحدهای تولیدی به طرز چشمگیری سبب بهبود وضعیت اشتغال شده است. به گونه‌ای که پیشتر اشاره شد، مجموعاً قریب به ۲۰۰۰ نفر تاکنون در این دو واحد صنعتی مشغول به کار شده‌اند. در صورت تکمیل نهایی واحدهای مذکور این تعداد فرصت شغلی به حدود ۵۰۰۰ نفر افزایش خواهد یافت. بنابراین می‌توان گفت فرضیه-ی (H0)، رد و فرضیه‌ی (H1) تأیید می‌گردد.

آزمون فرضیه‌ی دوم: توسعه‌ی زیرساخت‌ها و توسعه‌ی صنعتی:

H0: احداث واحدهای صنعتی موجب توسعه‌ی زیرساخت‌ها در منطقه نشده است.

H1: احداث واحدهای صنعتی موجب توسعه‌ی زیرساخت‌ها در منطقه شده است.

محاسبات یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مقدار ثابت و ضریب متغیر مستقل در معادله‌ی رگرسیون به-ترتیب برابر (-۰/۷۶۹) و (۱/۳۲۲) است. در نتیجه معادله‌ی رگرسیونی میان متغیر زیرساخت‌ها و توسعه‌ی صنعتی به صورت $y = -0.769 + 1.322x$ می‌باشد. از سوی دیگر، ضریب استاندارد شده (Beta) نشان می‌دهد که به ازای یک واحد تغییر در توسعه‌ی صنعتی منطقه، ۰/۸۶۴ تغییر در وضعیت زیرساخت‌های آن ایجاد خواهد شد. در مورد متغیر توسعه‌ی زیرساخت‌ها نیز، هر دو ضریب همبستگی اسپیرمن و پیرسون به ترتیب نشان‌دهنده‌ی ضرایب بسیاربالای ۰/۸۶۷ و ۰/۸۶۴ بوده و از سوی دیگر Beta حاصل از رگرسیون آن نیز، ضریب بسیار بالای ۰/۸۶ را نشان می‌دهد بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه‌ی (H0)، رد و فرضیه‌ی (H1) تأیید می‌گردد (جدول شماره ۴).

جدول ۴- ضرایب رگرسیون شاخص زیرساخت‌های منطقه

مدل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده Beta	آماره (T)	سطح معناداری (Sig.)
	B	خطای استاندارد			
ضریب ثابت	-۰/۷۶۹	۰/۲۴۹		-۳/۰۹۴	۰/۰۰۲
توسعه صنعتی	۱/۳۲۲	۰/۰۷۱	۰/۸۶	۱۸/۶۶۸	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های تحلیلی تحقیق، ۱۳۹۱.

همزمان با احداث واحدهای صنعتی منطقه تحولات نسبتاً مهمی در حوزه‌های مختلف زیربنایی بوقوع پیوسته که کماکان نیز ادامه دارد. در بعد آموزشی و تربیت نیروی انسانی دانشگاه‌های منطقه با داشتن حدود ۶۶۷۰ دانشجو در رشته‌های مختلف صنعتی و مدیریتی نقش مهمی در زمینه تأمین نیروی انسانی مورد نیاز واحدهای صنعتی دارند. از نظر راه‌های ارتباطی هر چند در سال ۱۳۷۵ شهرهای موجود در منطقه، به راه‌های ارتباطی آسفالت‌دسترسی داشته‌اند؛ اما در همین سال از کل روستاهای موجود در منطقه، تنها ۱۰۹ روستا به راه آسفالت‌دسترسی داشته‌اند و دسترسی مابقی روستاها از نوع شوسه، خاکی و مالرو بوده است (۳۵ روستا شوسه، ۹۰ روستا خاکی، ۱۷ روستا مالرو) این در حالی است که تعداد روستاهای برخوردار از راه‌های آسفالت‌درون‌روستایی باز هم از این اعداد بسیار کمتر بوده است. بطوری‌که بعضاً حتی مراکز دهستان‌ها نیز که جمعیت بسیاری را در خود نگه می‌دارند از داشتن راه‌های آسفالت‌محروم بوده‌اند. اما در سال ۱۳۸۵ از کل روستاهای موجود در منطقه، ۱۵۶ روستا به راه‌های آسفالت‌دسترسی داشته‌اند که سهم هر یک از شهرستان‌های لامرد و مهر از این تعداد به ترتیب، ۱۱۴ و ۴۲ مورد می‌باشد. به بیان دیگر از کل روستاهای منطقه (۲۷۵ روستا) در سال ۱۳۸۵، ۵۶/۷ درصد، از کل روستاهای شهرستان لامرد (۱۷۶ روستا)، ۱۱۴ روستا (۶۵ درصد) و از کل روستاهای شهرستان مهر (۹۹ روستا) نیز، ۴۲ روستا (۴۲/۵ درصد) به راه‌های آسفالت‌دسترسی داشته‌اند. از سوی دیگر، هم‌اکنون با اجرای طرح‌های هادی در تعداد زیادی از روستاها، تعداد زیادی از آنها از نعمت راه‌های آسفالت‌درون‌روستایی برخوردارند.

آزمون فرضیه‌ی سوم: توسعه‌ی رفاه و توسعه‌ی صنعتی:

H0: احداث واحدهای صنعتی در میزان برخورداری از رفاه اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی منطقه مؤثر نیست.
 H1: احداث واحدهای صنعتی در میزان برخورداری از رفاه اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی منطقه مؤثر است.
 جهت آزمون این فرضیه بایستی ابتدا فرض خطی بودن رابطه دو متغیر تایید می گردید با توجه به آن که در این پژوهش، متغیر رفاه خود به دو گروه رفاه اقتصادی و رفاه اجتماعی- فرهنگی تقسیم شده است، بنابراین ابتدا وجود رابطه‌ی معنادار میان هر یک از شاخه‌های رفاه با متغیر توسعه‌ی صنعتی تعیین شد و بر اساس آنها نتایج کلی زیر بدست آمد.
 بر اساس داده های جدول شماره ۵ نشانگر آن است که مقدار ثابت و ضریب متغیر مستقل در معادله‌ی رگرسیون به ترتیب برابر (۰/۰۸) و (۰/۸۰۵) است. در نتیجه معادله‌ی رگرسیونی میان متغیر رفاه اقتصادی و توسعه‌ی صنعتی به صورت $y = 0.08 + 0.805x$ می‌باشد. از سوی دیگر، ضریب استاندارد شده (Beta) نشان می‌دهد که به ازای یک واحد تغییر در توسعه‌ی صنعتی منطقه، ۰/۷۶۳ تغییر در رفاه اقتصادی آن ایجاد خواهد شد.

جدول ۵- ضرایب رگرسیون شاخص رفاه اقتصادی

مدل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	آماره (T)	سطح معناداری (Sig.)
	B	خطای استاندارد	Beta		
ضریب ثابت	۰/۸۰	۰/۲۲۰		۰/۳۶۵	۰/۷۱۶
توسعه صنعتی	۰/۸۰۵	۰/۰۶۳	۰/۷۶	۱۲/۸۴۰	۰/۰۰۰

منبع: یافته های تحلیلی تحقیق، ۱۳۹۱.

جدول ۶ نشانگر آن است که مقدار ثابت و ضریب متغیر مستقل در معادله‌ی رگرسیونی به ترتیب برابر (۰/۶۵۰) و (۰/۶۷۸) است. در نتیجه معادله‌ی رگرسیونی میان متغیر رفاه فرهنگی و توسعه‌ی صنعتی به صورت $y = 0.65 + 0.678x$ می‌باشد. از سوی دیگر، ضریب استاندارد شده (Beta) نشان می‌دهد که به ازای یک واحد تغییر در توسعه‌ی صنعتی منطقه، ۰/۶۸۱ تغییر در رفاه اجتماعی- فرهنگی آن ایجاد خواهد شد.

جدول ۶- ضرایب رگرسیون شاخص رفاه فرهنگی

مدل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	آماره (T)	سطح معناداری (Sig.)
	B	خطای استاندارد	Beta		
ضریب ثابت	۰/۶۵۰	۰/۲۳۶		۲/۷۵۶	۰/۰۷
توسعه صنعتی	۰/۶۷۸	۰/۰۶۷	۰/۶۸	۱۰/۰۹۷	۰/۰۰۰

منبع: یافته های تحلیلی تحقیق، ۱۳۹۱.

زیر فرض رفاه اقتصادی:

به دلیل آن که از یک طرف ضرایب همبستگی اسپیرمن و پیرسون به ترتیب اعداد بالای ۰/۷۳۴ و ۰/۷۶۳ را نشان می‌دهند و از طرف دیگر، Beta حاصل از خروجی رگرسیون این متغیر نیز، ضریب بالای ۰/۷۶ را نشان می‌دهد، می‌توان نتیجه گرفت که رابطه‌ی معناداری میان دو متغیر توسعه‌ی صنعتی (احداث واحدهای بزرگ صنعتی) و رفاه اقتصادی برقرار است.

زیر فرض رفاه اجتماعی- فرهنگی:

نتایج حاصل از زیرفرض رفاه اقتصادی در مورد این زیرفرض نیز تصدیق می‌گردد. به گونه‌ای که ضرایب همبستگی اسپیرمن، پیرسون و Beta آن به ترتیب اعداد نسبتاً بالای ۰/۶۴۶ ، ۰/۶۸۱ و ۰/۶۸ را نشان می‌دهد.
 مصادیق رفاه اقتصادی و اجتماعی بسیار متنوع می‌باشد یکی از بارزترین این مصادیق سطح دسترسی و برخورداری جمعیت از امکانات و نهادهای مختلف رفاهی می‌باشد. دسترسی به آب آشامیدنی سالم، برخورداری از نعمت برق، گاز، مخابرات، امکانات بهداشتی، امکانات فرهنگی و ... همگی از مصادیق رفاه تلقی می‌شوند. خوشبختانه طی ۱/۵ دهه اخیر (از سال ۱۳۷۵ تا

۱۳۸۹) تقریباً تمامی شاخص‌های رفاهی منطقه رشد قابل توجهی یافته‌اند. این رشد هم در نواحی شهری و هم در نواحی روستایی رخ داده است. درصد جمعیت برخوردار از آب آشامیدنی سالم در سطح نقاط شهری به ۹۵ درصد و در سطح مناطق روستایی به حدود ۷۰ درصد افزایش یافته است و نرخ با سواد از ۶۳ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۸۴ درصد در سال ۱۳۸۹ رسیده است. سطح برخورداری خانوارهای روستایی از نعمت برق اکنون در حد ۹۲ درصد می‌باشد. پوشش شبکه مخابرات تقریباً تمام نقاط محدوده مورد مطالعه را شامل می‌شود.

علاوه بر موارد فوق بررسی‌های میدانی نشان می‌دهد که متوسط درآمد خانوارها، برخورداری از وسایل رفاهی، سرانه مسکن و مواردی از این دست نسبت به قبل از ورود صنعت به منطقه افزایش قابل قبولی داشته است. به همین دلیل میزان رضایتمندی عمومی از شرایط زندگی حدود ۷۳ درصد، رضایتمندی کارکنان از وضعیت شغلی خود حدود ۶۹ درصد، رضایتمندی از نحوه گذران اوقات فراغت حدود ۶۸ درصد، گرایش به تحصیل حدود ۷۱ درصد و میزان مطالعه به حدود ۴۷ درصد نسبت به گذشته افزایش پیدا کرده است. البته ما مدعی نیستیم که تمامی این دگرگونی‌ها منحصراً مربوط به تأثیر استقرار و احداث واحدهای صنعتی است. اما می‌توان اظهار داشت که به هر حال ورود صنعت به منطقه به طور مستقیم و غیر مستقیم سبب تحولات اساسی در شاخص‌های مختلف رفاهی - اقتصادی و رفاهی - اجتماعی فرهنگی شده است. بنابراین در یک نتیجه‌گیری کلی از دو زیرفرض رفاه اقتصادی و رفاه اجتماعی - فرهنگی می‌توان گفت که میان دو متغیر توسعه‌ی صنعتی و رفاه رابطه وجود دارد. به بیان دیگر فرضیه‌ی صفر (H0) رد و فرضیه‌ی تحقیق (H1) مبنی بر وجود رابطه‌ی معناداری میان دو متغیر توسعه‌ی صنعتی و رفاه تأیید می‌گردد. (جدول شماره ۷).

جدول ۷- ضرایب Beta متغیرهای پژوهش

Beta	متغیر وابسته	متغیر مستقل
۰/۷۶	اشتغال	واحدهای صنعتی
۰/۸۶	زیرساخت‌ها	واحدهای صنعتی
۰/۷۶	رفاه اقتصادی	واحدهای صنعتی
۰/۶۸	رفاه اجتماعی - فرهنگی	واحدهای صنعتی

منبع: یافته‌های تحلیلی تحقیق، ۱۳۹۱.

نتیجه‌گیری:

با توجه به این که اصولاً هدف برنامه‌ریزی منطقه‌ای، عمران و توسعه مناطق، ایجاد دگرگونی کامل و اساسی در کلیه شئون زندگی مردم و بکارگیری نیروهای مادی و معنوی و طبیعی منطقه، کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای و درون منطقه‌ای، کاهش اختلاف سطح شهر و روستا، افزایش نیروهای تخصصی، افزایش کارآیی اقتصادی (زیاری، ۱۳۷۸ : ۹۱)، می‌باشد، سرمایه‌گذاری در زیر بخش‌های مختلف صنعت با تأکید بر منابع و امکانات مناطق در چارچوب طرح آمایش سرزمین قابلیت و توانایی تحقق نسبی اهداف مذکور را دارد. همچنین سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه منطقه‌ای، قدرت افزایش درآمدها و کاهش سطح فقر را دارند. مزید بر آن یکی از ویژگی‌های مهم و منحصر به فرد برنامه‌های توسعه منطقه‌ای فراهم سازی یک رشته از فعالیت‌های اقتصادی پیوسته و متصل به هم می‌باشد. ضمناً در چارچوب استراتژی‌های توسعه منطقه‌ای هدایت بخشی از سرمایه‌ها از مناطق برخوردار و توسعه یافته به سوی مناطق محروم و غیر برخوردار فراهم می‌شود. از آنجاکه توازن منطقه‌ای به معنای برخورداری کشور از فرصت‌های مساوی جهت رفع معضلات اقتصادی اجتماعی و فرهنگی در راستای نیل به تمام ظرفیت‌های بالقوه آن مناطق می‌باشد. لذا ضرورت دارد از طریق سرمایه‌گذاری‌های صنعتی بویژه در بخش صنعت نفت و گاز در منطقه مورد مطالعه این مهم (توازن منطقه‌ای) را محقق ساخت. از سوی دیگر به دلیل اینکه تمرکز صنایع در چند منطقه خاص از نظر اقتصادی اجتماعی و حتی سیاسی پیامدها و نتایج منفی همچون: بلا استفاده ماندن توانمندی‌های سایر مناطق، استهلاک زیر ساخت‌ها، تشدید شکاف درآمدی، کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری، مهاجرت‌های گسترده بین استانی و بین منطقه‌ای (از مناطق محروم به سمت مناطق برخوردار)، تخلیه روستاها، اسکان غیررسمی، شکل‌گیری شهرهای غیر پویا و دهها معضل دیگر

را به دنبال دارد، باید الگوهای توسعه منطقه‌ای را جایگزین الگوهای رشد نامتعادل نمود. نتایج این مطالعه نشان داد که خوشبختانه احداث واحدهای صنعتی بزرگ در منطقه لامرد دارای یکسری پیامدهای اقتصادی اجتماعی مثبت بوده است به-طوری‌که بتدریج شاهد کاهش سطح اختلاف آن با مناطق برخوردار کشور، کاهش نسبی مهاجرت های برون استانی، جذب نیروی انسانی بومی (از داخل استان) و غیر بومی (خارج از استان)، ایجاد اشتغال، درآمدهای پایدار، افزایش بهره‌گیری از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های موجود در منطقه (نفت، گاز، سیمن، افزایش رفاه اقتصادی و اجتماعی هستیم. این امر بدان معنی است که منطقه لامرد قدیم در مسیر توسعه قرار گرفته است ولی مسلماً تداوم و پایداری این روند منوط به تداوم سرمایه-گذاری‌های صنعتی و غیر صنعتی می‌باشد.

منابع:

۱. بختیاری، صادق (بهار ۱۳۸۱): «تحلیل مقایسه ای از توسعه صنعتی استان‌های مختلف کشور»، پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۲۲، تهران، صص ۱۸۶-۱۵۷.
۲. تقوایی، مسعود و وارثی، حمید و رعنا شیخ بیگلو (زمستان ۱۳۹۰): «تحلیل نابرابری های توسعه ای ناحیه ای در ایران»، مجله پژوهش های جغرافیای انسانی، شماره ۷۸، تهران، صص ۱۶۸-۱۵۳.
۳. رضویان، محمدتقی و ابراهیم رحیمی بلداجی (بهار و تابستان ۱۳۸۸): «نقش صنایع کوچک در توسعه منطقه ای»، فصلنامه جغرافیا، شماره ۹-۸، تهران، صص ۱۶۴-۱۴۵.
۴. رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و مهدی طاهرخانی (۱۳۸۱): «استقرار صنعت در روستا و نقش آن در رفاه مناطق روستایی»، نشریه‌ی مدرس، دوره‌ی ۶، شماره‌ی ۲، تهران، صص ۲۱-۱.
۵. رهبر، فرهاد و حسین میر شجاعیان حسینی (زمستان ۱۳۸۷): «ارزیابی اثرات توسعه ی منطقه ای طرح های صنعتی، مورد: طرح های خط لوله‌ی اتیلن مرکزی»، فصلنامه مطالعات اقتصادی انرژی، شماره ۱۹، تهران، صص ۷۸-۵۱.
۶. زنگانه، احمد و محمد سلیمانی (بهار ۱۳۸۴): «مکان یابی شهر صنعتی و اثرات زیست محیطی آن بر شهر اراک»، پژوهش های جغرافیایی، شماره ۵۱، تهران، صص ۴۹-۳۳.
۷. زیاری، کرامت الله و زنجیرچی، محمود و کبری سرخ کمال (تابستان ۱۳۸۹): «بررسی و رتبه بندی درجه توسعه یافتگی شهرستان های استان خراسان رضوی با استفاده از تکنیک تاپسیس»، مجله پژوهش های جغرافیای انسانی، شماره ۷۲، تهران، صص ۳۰-۱۷.
۸. سلیمی فر، مصطفی (۱۳۸۱): «مطالعه روند تغییرات سطوح توسعه صنعتی و توسعه منطقه ای در ایران طی دوره ۷۵-۱۳۵۵»، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۱، تهران، صص ۱۰۵-۷۷.
۹. سلیمی فر، مصطفی، نوروزی، روح اله و محب اله مطهری (زمستان ۱۳۸۸): «سنجش توسعه صنعتی و توسعه منطقه ای استان‌های خراسان رضوی، جنوبی و شمالی»، مجله پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۴، تهران، صص ۱۹۶-۱۷۵.
۱۰. سیف‌الدینی، فرانک و پناهنده خواه (پاییز ۱۳۸۹): «چالش ها و موانع برنامه ریزی توسعه منطقه ای در ایران»، مجله پژوهش های جغرافیای انسانی، شماره ۷۳، تهران، صص ۹۸-۸۳.
۱۱. شاهسونی، رضا (۱۳۸۲): «برنامه‌ریزی در جهت توسعه‌ی موزون منطقه‌ای با تأکید بر صنایع استان فارس»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
۱۲. طاهرخانی، مهدی (۱۳۷۹): «نقش نواحی صنعتی در توسعه‌ی نواحی روستایی (مطالعه‌ی موردی: نواحی صنعتی روستایی در استان مرکزی)»، رساله‌ی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
۱۳. عباسی نژاد، حسین و گیلدا عبدلی (۱۳۸۵): «تجمع های صنعتی در توسعه صنعتی و منطقه ای»،
۱۴. مطیعی‌لنگرودی، سیدحسن و محمود مرادی (پاییز ۱۳۸۴): «جایگاه صنایع در فرآیند صنعتی‌سازی و توسعه‌ی روستایی»، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۱۶۷-۱۴۵، تهران، صص ۱۶۷-۱۴۵.

۱۵. مطیعی لنگرودی، سیدحسین و علیرضا اردشیری (پاییز ۱۳۸۶): «پیامدهای ایجاد صنایع فرآوری محصولات کشاورزی در توسعه روستایی بخش مرکزی آمل»، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۱، تهران، صص ۱-۱۵.
16. Bigsten, A. (1983): Income Distribution and development, Theory, Evidence and policy, Heinemann, London.
17. Dennis Wei, Y.H. and L. Ingo (2012): Globalization, industrial restructuring and regional development in China, Applied Geography, pp 102-105.
18. Hag. M.T (1979): Industrialization in relation to integrated rural development with reference to Bangladesh: industry and development.
19. Matsumoto, M. (2008): Redistribution and regional development under tax competition, journal of urban economics, No. 64, pp 480-487.
20. Nair, K.R.G. (2004): Economic Reforms and Regional Disparities in Economic and Social Development In India, Report of a research project funded by the SER division of the planning commission of the government of India.
21. Parker, Eric and Gray, M. (1998): Industrial Change and Regional Development :The Case of the us Biotechnology and Pharmaceutical Industries, ESRC center for business research, university of cambridge working paper No. 95.
22. Shine, J.T (1985): decentralized industrialization and rural non-farm employment in Taiwan association of development research and training institutes of Asia and the Pacific.

